



## لزوم تدریس آشنایی با دفاع مقدس

- انتقال میراث انقلاب به نسل سوم
- آشنایی با عظمت دفاع مقدس و شخصیت های درگیر
- شناخت سیره حضرت امام در دفاع مقدس
- تبیین مظلومیت ایران در دوران دفاع
- افشای توطئه داخلی و خارجی دشمنان
- افشای جنایات جنگی
- پاسخ به انتقادات وارده به دفاع مقدس
- بهره گیری از تجربیات دفاع مقدس



# خلاصه کتاب آشنایی با دفاع مقدس

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	لزوم تدریس آشنایی با دفاع مقدس
۴	بررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق
۵	شرایط حاکم بر جمهوری اسلامی ایران قبل از شروع جنگ
۶	شرایط حاکم بر کشور عراق و اهداف تحمیل جنگ به ایران
۷	پیشینه و چگونگی آغاز تجاوز
۸	دفع تجاوز
۱۹	واکنش دشمن در برابر توان دفاعی ایران
۲۲	قطعنامه ۵۹۸ و سرانجام جنگ



## بسم الله الرحمن الرحيم

### لزوم تدریس آشنایی با دفاع مقدس

- انتقال میراث انقلاب به نسل سوم
- آشنایی با عظمت دفاع مقدس و شخصیت های درگیر
- شناخت سیره حضرت امام در دفاع مقدس
- تبیین مظلومیت ایران در دوران دفاع
- افشای توطئه داخلی و خارجی دشمنان
- افشای جنایات جنگی
- پاسخ به انتقادات وارده به دفاع مقدس
- بهره گیری از تجربیات دفاع مقدس



سلسله صفوی

سلسله صفوی را نیز در سال (۱۵۰۲ میلادی) شاه اسماعیل صفوی در ایران تأسیس کرد، که هدف اصلی آن حفظ تمامیت ارضی ایران از خطر هجوم ترکان عثمانی بود.

صفویان برای مقابله با تفوق مذهبی عثمانیها، مذهب شیعه را به عنوان دین رسمی مردم ایران ترویج کردند که در حل اختلافات داخلی و تحکیم وحدت، نقش بسزایی داشته است تا حدودی که مانع استیلای عثمانیها بر ایران شد، اما مطالعه تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی نشان می‌دهد که نبردهای خونین بین دو کشور طی ۴۰۰ سال ادامه داشته است، البته نقش کشورهای اروپایی را که قصد جهانگشایی داشته‌اند، نباید در تشدید جنگها بین ایران و عثمانی نادیده گرفت.

قرارداد آماسیه (۱۵۵۵)

اولین قرارداد صلحی است که بین ایران و عثمانی به امضا رسید. در این قرارداد که بین شاه طهماسب و سلطان سلیمان منعقد گردید سلطان عثمانی موافقت کرد که با پیروان مذهب شیعه با مدارا رفتار کند و از زوار ایرانی که عازم مکه و مدینه هستند، حمایت کند علاوه به فرماندهان مرزی نیز تاکید شود تا از صدور هر گونه دستوری که موجب منازعات مرزی شود، خودداری گردد

مفاد قرارداد الجزایر

اصول مورد توافق طرفین که به نام «اعلامیه الجزایر» معروف است در تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳):

۱ - طرفین، مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می‌کنند.

۲ - دو کشور، مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین می‌کنند.

۳ - طرفین متعهد می‌شوند که در مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه «خرابکارانه» داشته باشد، اعمال کنند.

۴ - مقررات فوق، عوامل تجزیه‌ناپذیر برای یک راه حل کلی بوده، در نتیجه، نقش هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است.

پس از صدور اعلامیه مشترک الجزیره، وزیران امور خارجه ایران و عراق و الجزایر طی چندین نشست در تهران و بغداد و الجزیره، در مورد حل کلیه مسائل مورد اختلاف مذاکره و توافق کردند، که نتیجه این توافق امضاء «عهدنامه مرزی ۱۹۷۵» بود. این عهدنامه دارای سه پروتکل است.



## شرایط حاکم بر جمهوری اسلامی ایران قبل از شروع جنگ

### اوضاع سیاسی

- ادامه حاکمیت لیبرالها
- اشغال لانه جاسوسی
- تحریم اقتصادی و نظامی ایران
- لغو پروازها به ایران و توقیف دارائیهای ایران توسط امریکا
- تشدید بحرانها و نا آرامیهای مرزی در کردستان ،خوزستان، گنبد و سیستان و بلوچستان
- طرح حمله به ایران و واقعه طبس
- ایجاد جو شدید تبلیغاتی علیه نیروهای مومن و انقلابی
- محور قرار دادن بنی صدر و وحدت گروههای ضد انقلاب خصوصا منافقین با وی علیه نیروهای مومن و انقلابی

### اوضاع اقتصادی ایران

- معلق ماندن قرارداد های اقتصادی منعقد شده توسط رژیم طاغوت
- مشکل فروش نفت و کاهش قیمت آن
- فقدان سیستمی که منویات ارائه شده توسط حضرت امام را در قالب برنامه های اجرایی عملی کند و دور نمای روشنی از اقتصاد کشور را ترسیم نماید
- بلوکه شدن دارائی های ایران و تحریم اقتصادی
- حرکت کند چرخهای اقتصادی ایران بدلیل عدم امکان خرید قطعات یدکی کارخانجات و اغتشاش گروهکها در محیط های کارگری

عدم پیش بینی راه حلهای اقتصادی مناسب با استراتژی عدم وابستگی

### اوضاع نظامی ایران

- خروج کارشناسان نظام و فرماندهان نظامی به خارج از کشور که عمده فنون و تخصص های نظامی را در اختیار داشتند
- کاهش نیروهای ارتش توسط دولت بازرگان
- اقدام مشکوک دولت بزرگان در زمینه لغو قرارداد های نظامی(۶ فروند زیر دریایی از آلمان و قرار دادهای با دولت آمریکا)
- کاهش مدت خدمت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه و اعزام کادر های ارتش به محل سکونت و زادگاه خود
- شعار انحلال ارتش توسط گروهکها (ارتش خلقی بیا کنیم) هماهنگ با کاهش توان ارتش توسط لیبرالها
- کودتای نوزده و فرار برخی از سران نظامی ارتش به عراق در تیر ماه ۵۹ و ارسال اطلاعات ارزشمند توان دفاعی کشور با انها



## شرایط حاکم بر کشور عراق و اهداف تحمیل جنگ به ایران

شرایط سیاسی، اقتصادی و نظامی

- حزب بعث عراق که بر معیارهای غیرمذهبی و با تکیه بر ناسیونالیسم عربی بنیان‌گذاری شده بود، همواره موفقیت خود را در اتخاذ سیاستی توسعه‌طلبانه و سیادت بر جهان عرب دنبال می‌کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌توانست شیعیان عراق را که با وجود اکثریت، از حکومت و قدرت به دور بوده‌اند، به حرکت وا دارند و موج اسلام‌خواهی از طریق شیعیان عراق به دیگر کشورهای منطقه سرایت کند. از این رو رژیم عراق خود را بیش از دیگران در معرض خطر احساس می‌کرد، اقدام شتابزده او در به شهادت رساندن آیت‌الله صدر و خواهرش و نیز قلع و قمع نیروهای فعال شیعه در همین راستا بوده است.

توسعه طلبی صدام و جلب رضایت آمریکا

- شخصیت صدام حسین به لحاظ روحی و روانی برای همگان شناخته شده نیست، لیکن آرزوی رهبری جهان عرب، توسعه‌طلبی را برای او به آهنگی سوزان مبدل کرده بود. بویژه شرایط اقتصادی، نظامی و سیاسی عراق اهداف تجاوز را که بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها تکرار نمود، سهل‌الوصول کرده بود.
- صدام به گمانش با استفاده از اختلاف آمریکا و ایران می‌تواند به اهداف دیرینه‌اش دست پیدا کند. لذا با ایجاد توازن در روابط خارجی خود با شرق بارها به آمریکا چراغ سبز نشان داد. از آن طرف آمریکا هم به استراتژی نظامی برای جمهوری اسلامی روی آورد، و به دنبال عنصری بود که علاوه بر توان لازم برای انجام مأموریت او اطمینان بالایی نیز برخوردار باشد.

مهمترین اهداف تجاوز رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران

حاکمیت مطلق بر اروند رود

- یکی از اختلافات عمده ایران و عراق، به مرز مشترک دو کشور در اروندرود مربوط می‌شود. دولت عراق همواره ادعا می‌کرد که اروندرود، به آن کشور متعلق است و در مقابل، دولت ایران نیز معتقد بوده که اروندرود یک رودخانه مرزی و قابل کشتیرانی است، به همین جهت بر اساس اصول و مقررات حقوق بین‌الملل مرز دو کشور باید خط «تالوگ» باشد.

تجزیه خوزستان

- اهداف تجاوزکارانه رژیم عراق تنها به حاکمیت مطلب بر اروندرود و استرداد جزایر سه‌گانه خلاصه نمی‌شد، بلکه دولت عراق نسبت به استان خوزستان ایران نیز چشم طمع داشت.



- صدام حسین قصد داشت که با آغاز جنگ علیه ایران، آن را به جنگ بین ایران و اعراب مبدل کند. از این رو پس از تجاوز، در سخنان خود اظهار می‌کرد که از جانب اعراب با ایران می‌جنگد و از طرفی تصمیم گرفت تا با تجزیه خوزستان، خود را منجی عرب‌های دربند و مدافع وطن عربی جلوه دهد.

تقویت ناسیونالیسم عربی

- یکی دیگر از تمهیدات صدام حسین به منظور تحقق ملت واحد عربی و نهایتاً تثبیت رهبری خود بر جهان عرب، تشکیل گروه‌های ناسیونالیست و برقراری ارتباط بین آنها بوده است.
- همچنین صدام جنگ خود علیه ایران را «قادسیه دوم» یا «قادسیه صدام» می‌نامد، در معنا خود را رهبر جهان عرب معرفی کند.

## پیشینه و چگونگی آغاز تجاوز

پیشینه و حوادث آغاز جنگ

الف) نقض مکرر حریم هوایی، زمینی و دریایی ایران

تعداد تجاوزات ثبت‌شده عراق به جمهوری اسلامی ایران

سه ماهه اول سال ۱۳۵۸ ۱۴ مورد / سه ماهه دوم سال ۱۳۵۸ ۱۱ مورد / سه ماهه سوم سال ۱۳۵۸ ۲۶ مورد / سه ماهه چهارم سال ۱۳۵۸ ۳۲ مورد / سه ماهه اول سال ۱۳۵۹ ۱۴۲ مورد / سه ماهه دوم سال ۱۳۵۹ ۴۱۰ مورد

ب) لغو قرارداد ۱۹۷۵

از سخنان صدام حسین سه مطلب زیر به دست می‌آید:

الف) قرارداد الجزایر برای رژیم عراق تحمیلی است.

ب) رژیم عراق به قرارداد الجزایر ایمان ندارد.

ج) پیمان الجزایر غصب نیمی از شط‌العرب توسط ایران است.

چگونگی آغاز تجاوز



ارتش رژیم عراق با اهداف از پیش تعیین شده سرانجام تهاجم سراسری خود را علیه ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. استعداد نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز تجاوز بالغ بر ۴۸ یگان بود که شامل ۱۲ لشکر مرکب از ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و همچنین ۱۵ تیپ مستقل شامل ۱۰ تیپ پیاده، یک تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروهای مخصوص، به اضافه تیپ ۱۰ گارد جمهوری نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی بوده است.

همچنین بهره‌مندی کامل از تجهیزات نظامی نظیر ۸۰۰ قیضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قیضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

موضع‌گیری امام خمینی در برابر تهاجم ارتش عراق

امام راحل(ره) هم به خوبی می‌دانست که تنها او باید در آن شرایط حساس حرف آخر را بزند. فلذا طی سخنانی عنصر ایمان و توکل به خدا را بزرگترین پایه قدرت و توانایی دانسته و قدرت دشمن را در برابر آن ناچیز تلقی نمودند

مقاومت مردمی

پس از آنکه خطمشی دفاعی از سوی امام راحل(س) تبیین شد، مقاومت خودجوش مردمی در همه‌جا شکل گرفت.

## دفع تجاوز

افزایش توان دفاعی

مهمترین عوامل افزایش توان دفاعی نیروهای مسلح و آحاد ملت برای مقابله با دشمن متجاوز عبارتند از:

۱ - فرماندهی امام راحل(ره) با حذف بنی صدر

ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور وقت ایران که مسئولین فرماندهی کل قوا را نیز از طرف امام راحل(س) به عهده داشت، در دوران اشغال اراضی ایران نه تنها اعتقادی به سازماندهی نظامی برای مقابله با تجاوز نداشت، بلکه بیشتر به حرکت‌های دیپلماسی در حل مناقشه روی آورد، و همانطور که گفته شد بنی‌صدر از این غائله مرزی در جهت مقابله با نیروها و جناح‌های رقیب داخلی برآمد، تا اینکه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۶۰/۳/۳۱ رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داد

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر مبنی بر عدم کفایت برای ریاست جمهوری اسلامی ایران، امام وی را عزل نمود.





۲ - حذف تفکر لیبرال‌ها در تصمیم‌گیری و رویکردی کلاسیک به جنگ

لیبرال‌ها که در روزهای آغازین تجاوز، قافیه نبرد را به صدام باختند، نه تنها از شیوه‌های کلاسیک نظامی حمایت نمی‌کردند، بلکه اعتقادی به صرف هزینه مالی و نیروی انسانی یا تجهیز سازمانهای رزمی به هیچ وجه نداشتند. نهضت آزادی ایران به عنوان نماد تفکر لیبرالی در بیانیه‌های خود با طرح مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه‌های نظامی کشور ورد به نبردی کاملاً کلاسیک نظامی را غیرممکن می‌دانست، و گرفتن زمان از دشمن در مقابل زمین را بر هر کاری ترجیح می‌داد.

بنی‌صدر با بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی در این صدد بود که به مردم بفهماند مسئله اول ما جنگ نیست و یا با این معضلات اقتصادی عملاً سرمایه‌گذاری در زمینه جنگ ناممکن است.

۳ - تجهیز گروههای مردمی (بسیج)

ملت ایران بویژه جوانان غیرتمند این مرز و بوم در پی فرمان مقتدای خود سراسیمه به سوی جبهه‌های نبرد شتافتند و فراگیری آموزش نظامی و حضور در صحنه‌های پیکار دغدغه هر جوان مسلمان ایرانی بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود مولود بسیج مردمی است، مأموریت آموزش و سازماندهی نیروها را عهده‌دار شد،

- ارتش جمهوری اسلامی ایران

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

- نیروهای داوطلب بسیج

- نیروهای جنگ‌های نامنظم که از آرزوهای آغازین تجاوز ارتش عراق به همت و هدایت شهید عزیز دکتر چمران شکل گرفت و آزادی سوسنگرد با نام این شهید عزیز عجین شده است.

۴ - وحدت بین ارتش و سپاه

ارتش جمهوری اسلامی ایران که به لحاظ نظامی دارای ساختاری تعریف شده بود، لزوماً برای همکاری با سپاه و نیروهای مردمی در جبهه‌ها نیاز به راههای روشنی داشت که در حوزه استراتژیک و تاکتیک بتواند وحدت رویه ایجاد کند که این کار مهم با سرپنجه تدبیر امام خمینی(ره) و همکاری صمیمانه فرماندهان ارتش و سپاه تحقق یافت.

۵ - خودباری و اراده ملی

یکی از مؤلفه‌های مهمی که امام راحل(س) به عوامل افزایش توان دفاعی ضمیمه کردند، تقویت خودباوری دینی در آحاد ملت بود که در ایمان به خدا و عشق به شهادت تجلی کرد، و همچنین با استفاده از انگیزه[ای ملی و میهنی، اراده عمومی ملت را پشت سر رزمندگان بسیج کرد.

۱ - آزادسازی مناطق اشغال‌شده

آزادسازی مناطق اشغالی توسط نیروهای خودی طی چندین عملیات صورت گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:



این عملیات پس از عزل بنی‌صدر اولین عملیات پیروزمندانه رزمندگان اسلام است که در شرق کارون (جنوب دار خوئین) انجام شد، در این عملیات ضمن وارد آمدن خسارت سنگین به دشمن، به میزان ۳ کیلومتر از مواقع دشمن در منطقه به تصرف رزمندگان اسلام درآمد

ب) عملیات ثامن‌الائمه

این عملیات در شمال آبادان به منظور تصرف پل‌های دشمن بر روی رودخانه کارون و تصرف و تأمین جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان اهواز و نیز شکست حصر آبادان و انهدام نیروهای دشمن صورت گرفت.

جوهره اصلی این عملیات فرمان امام راحل(س) بود که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود.» سرانجام رزمندگان اسلام با شکستن حصر آبادان دشمن را در شرق رودخانه کارون به عقب راندند و به همه اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یافتند

ج) عملیات طریق‌القدس

این عملیات که به منظور آزادسازی شهر بستان و تأمین مرز و دسترسی به هورالهوریزه طراحی شده بود، دو ماه بعد از عملیات ثامن‌الائمه در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به اجرا درآمده که سرانجام منجر به آزادسازی بستان و روستاهای اطراف آن به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع گردید

د) عملیات فتح‌المبین

با وجود چندین عملیات کوچک در غرب کشور که عمدتاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام داد، عملیات بزرگ فتح‌المبین در منطقه غربی رودخانه کرخه در تاریخ ۶۱/۱/۱ آغاز گردید که سرانجام به تصرف ارتفاعات منطقه و آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی کشور اسلامی ایران منجر گردید.

ه) عملیات بیت‌المقدس

در سلسله عملیات بزرگ رزمندگان، عملیات بیت‌المقدس از جایگاه خاصی برخوردار است که در منطقه‌ای به وسعت ۶۰۰۰ کیلومتر مربع در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ آغاز گردید و طی ۲۵ روز در سه مرحله، زمان آن به طول انجامید. و از نتایج ارزشمند آن آزادی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمید و خارج شدن بخش وسیعی از خاک جنوب کشور اسلامی از تیررس آتش دشمن بود.

مهمترین نتایج عملیات بیت‌المقدس عبارتند از:

۱ - تغییر نگرش‌ها و باورهای جهانی نسبت به توانمندی رزمندگان اسلام و اثبات قابلیت‌های مبتنی بر خلاقیت‌ها و ابتکار نیروهای ایرانی.



۲ - شگفتی و حیرت‌زدگی محافل و افکار جهانی از پتانسیل ایمان، اصل غافلگیری و سرعت عمل رزمندگان اسلام به عنوان رهیافت‌های جدید دفاعی.

۳ - ایجاد نگرانی و وحشت در بین حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم عراق که با کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود به پیروزی عراق امیدوار بودند.

۴ - تغییر موازنه قدرت در جبهه‌های نبرد، به طوری که ابتکار عمل آفندی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت.

۵ - افزایش اقتدار سیاسی نظام در سطح بین‌المللی، به طوری که مسئولین سیاست خارجی، سرفرازانه در محافل و مجامع بین‌المللی از حقوق ملت مظلوم ایران دفاع می‌کردند.

۶ - واکنش کشورها به بهانه تهدید امنیت در خلیج فارس و اظهار نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی در صورت تثبیت نظام جمهوری اسلامی.

۷ - وادار کردن سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی به موضعگیری بویژه شورای امنیت سازمان ملل که سکوت خود را پس از چندین ماه از آغاز تجاوز شکست و اقدام به صدور قطعنامه نمود.

۸ - شکست توان سیاسی و نظامی عراق و تردید حامیان او در توانایی نظامی ارتش عراق با وجود حمایت‌های مالی و سیاسی و نظامی گسترده.

۹ - ایجاد سرور و شادمانی یکپارچه در ملت ایران و تقویت وحدت ملی و انگیزه دفاعی در همه آحاد ملت و مسئولین.

۱۰ - محدود شدن فعالیت گروهکهای ضد انقلاب و ستون پنجم در داخل، و ناامید شدن از ادامه فعالیت‌ها و احساس ترس از خشم و غرور دینی و ملی مردم.

طرح چند سؤال و پاسخ آن

سؤالاتی که در این مقطع یعنی بعد از فتح خرمشهر به ذهن می‌رسد، می‌تواند مشتمل بر موارد زیر باشد:

الف - چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهاد صلح شورای امنیت را نپذیرفت؟

ب - آیا مسؤول ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر ایران نیست؟

ج - اینکه گفته می‌شود امام خمینی خواهان خاتمه دادن به جنگ پس از فتح خرمشهر بود، آیا صحت دارد؟

اگرچه خواننده محترم با مطالعه این کتاب می‌تواند به پاسخ سؤالات خود برسد، اما اختصاصاً به دلیل طرح مشخص این سؤالات، بویژه از سوی شبهه‌افکنان به جواب آن می‌پردازیم:

سؤال اول - چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهاد صلح از سوی کشورها و مجامع بین‌المللی را نپذیرفت؟



جمهوری اسلامی ایران از آغاز تجاوز رژیم عراق خواهان صلح بوده است، اما صلح حقیقی و شرافتمندانه، بدیهی است  
صلح از نظر حقوق بین‌الملل باید حاوی مقدمات زیر باشد:

- دفع آتش تجاوز

- شناسایی متجاوز

- تعیین خسارات و تنبیه متجاوز

- تضمین صلح و بقای آن به کشور مورد تجاوز

با توجه به این مقدمات در کلیه نظرها و بیانیه‌های شخصیت‌ها و رؤسای دولت‌ها و مجامع بین‌المللی که هیاهوی صلح و آتش‌بس بعد از فتح خرمشهر به راه انداختند، تماماً فاقد موارد فوق بودند. شورای امنیت سازمان ملل که بر اساس منشور سازمان در این رابطه مسئول بوده است، در قطعنامه ۵۱۴ و قطعنامه‌های بعدی به جای لفظ «منازعه» بین ایران و عراق از کلمه «وضعیت» استفاده می‌کرد، این دو واژه از نظر حقوق بین‌الملل تعریف خاص خود را دارند، در اعلان «وضعیت» هیچ مسئولیتی متوجه شورای امنیت سازمان نمی‌شود، ولی اعلان «منازعه» برای شورای امنیت مسئولیت‌آور می‌شد، به همین دلیل از کاربرد واژه «منازعه» در صدور قطعنامه‌ها خودداری می‌کرد. بنابراین شورایی که دفع مخاصمه بین کشورها را به عهده دارد تا این اندازه که از مسئولیتش طفره می‌رود، ایران به امید کدام مرجع دیگری دست از دفاع مقدس خود می‌کشید؟ آیا شعار صلح را بدون توجه به مقدمات و راهکاری عملی آن با آب و تاب مطرح نمودن خیانت به واژه مقدس صلح نیست؟ آیا با این وجود عدم پذیرش صلح‌فربیان مدعی از سوی ایران کار خردمندانه‌ای نبوده است؟

سؤال دوم: آیا مسئول ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، ایران نیست؟

در جنگ رژیم عراق علیه ایران سه نوع پایان قابل تصور بود، اولاً ایران مغلوب و رژیم عراق غالب شود. ثانیاً عراق مغلوب و ایران غالب شود. ثالثاً یک تصمیم بین‌المللی جنگ را خاتمه دهد.

فرض اول تحقیقاً منتفی است، زیرا اگر قرار بود که ایران مغلوب شود، در همان روزهای اول جنگ که غافلگیر شده بود و در اثر درگیری با مشکلات طبیعی بعد از انقلاب آمادگی مقابله با تهاجم گسترده رژیم عراق را نداشت، می‌بایست از پا درمی‌آمد، اما دیدیم که چگونه توانست به طرز معجزه‌آسایی خود را تجهیز کند و در فاصله‌ای کوتاه نه تنها تمامی اراضی اشغالی را از دشمن پس بگیرد، بلکه به تعقیب متجاوز در خاک او نیز بپردازد. و از طرفی به فرموده امام راحل(ره) ملتی که با تکیه بر ایمان و اراده الهی می‌جنگید، شکست در منطق او راه ندارد. در قرآن کریم به همین مضمون آمده است.

فرض دوم اینکه رژیم عراق مغلوب شود، که این فرض هم محقق‌الوقوع نبود، زیرا حامیان و متحدان رژیم عراق به هر قیمتی اجازه شکست رژیم عراق را نمی‌دادند و دیدیم که در راستای حمایت از او تمامی قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کردند و سلاح‌های مخرب میکروبی و شیمیایی را در اختیار او قرار دادند، صدام حسین هم با آرامش خاطر آنها را علیه رزمندگان و قیحانه به کار گرفت. فرض سوم تصمیمات بین‌المللی بود که تا صدور قطعنامه ۵۹۸ اقدام به این کار نشده بود. از این رو برابر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد کشوری که مورد تجاوز قرار گرفت تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرایی جهت دفع تجاوز اتخاذ نکند، حق دارد از خود دفاع کند، اما به محض اینکه شورای امنیت تدابیر لازم را اتخاذ کرد، باید کشور مورد تجاوز از ادامه حملات خودداری کند تا شورای امنیت بتواند با طیب خاطر به فعالیت خود در زمینه شناسایی و تنبیه متجاوز ادامه دهد. از این رو برابر ماده یکم قطعنامه تعریف متجاوز، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا



و دریا مورد تجاوز ارتش عراق قرار گرفت و تا زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ چون تصمیم روشنی از سوی شورای امنیت برای دفع تجاوز اتخاذ نشد، حق داشت از خود دفاع کند و از نظر حقوقی این دفاع حتی در داخل خاک کشور متجاوز مجاز می‌باشد. اما قید تعیین مسئول مخلصه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ حق دفاع مشروع را از ایران سلب نمود. دقیقاً ملاحظه می‌کنیم که بعد از این حجم تبلیغات دشمن و حامیان او حول این محور که ایران ناقص حقوق بین‌الملل است، متمرکز می‌شود، در حالی که قبل از آن می‌دانستند دفاع مشروع حق ایران است.

بدین ترتیب ایران نه آغازگر جنگ بود و نه مسئولیتی در ادامه آن داشته است، آنچه که مسلم است مسئولین ادامه جنگ به عهده شورای امنیت سازمان ملل است که به خاطر فشار حامیان صدام

بویژه امریکا در تصمیم‌گیری تعلل می‌ورزید کما اینکه اکنون در اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ کوتاهی می‌کند.

سؤال سوم: آیا امام خمینی(س) پس از فتح خرمشهر خواهان خاتمه دادن به جنگ بود؟

امام خمینی(س) همواره خواهان پایان دادن به جنگ بود، اما پایانی که متضمن حقوق ملت مظلوم ایران باشد، اما از اینکه پس از فتح خرمشهر مصراً خواهان پایان بخشیدن به جنگ بود هیچ مدرک و سندی در دست نیست وانگهی امام راحل(س) در هر کاری به نظر کارشناسان و متخصصان بسیار اهمیت می‌داد، تحقیقاً اگر نظر فرماندهان و کارشناسان جنگ مبتنی بر ادامه دفاع مقدس بود. امام راحل(ره) همان نظر را می‌پذیرفتند، و از همه مهم‌تر لحن سخنان و محتوای رهنمودهای امام خمینی بویژه بعد از فتح خرمشهر گویای صلحی عادلانه بود که از ارکان حقوقی صلح حکایت می‌کرد. برای مثال معظم‌له طی سخنانی در جمع گروهی از دانشجویان دانشکده افسری ارتش و مسئولین این دانشکده فرمودند:

از اول هم صلح‌طلب بودیم و صلح یکی از اموری است که ما به تبع از اسلام قبول کردی. صلح اسلامی، صلحی که برادر می‌شوند بعد از صلح، و ما طالب این هستیم. اما صلحی که اصلاً اعتنا نکنند به اینکه جنایت کردند در اینجا و اعتنا نکنند به اینکه غراماتی وارد شده است و باید جبران بکنند، خساراتی وارد شده است و باید جبران بکنند. این اسمش صلح نیست، این اسمش را می‌توانیم بگذاریم صلح صدامی.

امام راحل(ره) همین منطق را تا پایان جنگ دنبال نمودند و حتی مفاد قطعنامه ۵۹۸ را که پذیرفتند متضمن صلح واقعی و عادلانه ندانستند، از این جهت پذیرش آن را چون نوشیدن جام زهر دانستند.

بخش دوم: وادار کردن مجامع بین‌المللی برای تصمیمی عادلانه (استراتژی عدل)

جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی بخش اعظمی از شهرها و مناطق اشغالی از چنگال قوای دشمن، در برابر هیاهوی صلح‌خواهان و فشار همه‌جانبه آنان تصمیم گرفت که استراتژی عدل را در پیش گیرد، یعنی مجامع رسمی بین‌المللی را که در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز کشورها مسئول هستند، وادار به تصمیمی عادلانه کند که در آن حقوق کشور مورد تجاوز تضمین شود. برای تحقق این هدف مهم عمل به موارد ذیل به عنوان مؤلفه‌های استراتژی عدل ضروری بود:

#### ۱ - تثبیت مواضع دفاعی

اگرچه رزمندگان اسلام پس از فتح خرمشهر ابتکار عمل در جبهه‌ها را به دست گرفتند، اما تدبیر ضروری و مهم در این مقطع ترسیم هندسه مقاومت بود، یعنی اتخاذ استراتژی دفاعی برای حفظ موازنه قوا در خطوط درگیری. بر اساس این



تدبیر دو کار لزوماً باید انجام می‌شد. اول تثبیت مواضع دفاعی یعنی دور کردن دشمن از مواضع رزمندگان و بستن خطوط نفوذی و از همه مهمتر دور کردن آتش سلاح‌های سنگین و دوربرد دشمن از مواضع دفاعی رزمندگان که اضلاع خط استوار و هندسه مقاومت را در خاک دشمن طلب می‌کرد و این از نظر علم استراتژیک نظامی کاملاً پذیرفته شده است که اگر ضلعی از مثلث دفاعی در خاک دشمن واقع شد، ناچاراً باید از خاک او عبور کرد، این قاعده به اعتقاد کارشناسان و ناظران بین‌المللی هم در آن شرایط دور از انتظار نبود،

تصمیم دوم مهلت ندادن به دشمن برای سازماندهی مجدد بود، چرا که بعد از شکست سنگین دشمن در عملیات بیت‌المقدس که موجب سردرگمی فرماندهان و مسئولین ارتش عراق شد، تدبیر دفاعی برای ایران حکم می‌کرد که به دشمن فرصت اندیشیدن و سازماندهی مجدد را ندهد و با استفاده از شور و ذوق و توان دفاعی رزمندگان به نقطه اطمینان و خط استوار دفاعی که امروزه در فنون نظامی جایگاه خاصی دارد برسد. نظریه کارشناسان دفاعی چنین اقداماتی را از سوی ایران قابل پیش بینی و از بدیهیات علوم دفاعی دانستند، بطوریکه لس‌آنجلس تامیز طی تحلیل کارشناسی در این زمینه گزارش داد:

اکنون که سکه بر روی دیگرش قرار دارد، ایران بیش از یک چهارم ارتش عراق را منهدم و تسخیر نموده است، نیروی هوایی از لحاظ عملیاتی، آمادگی عراق را تا دو سوم کاهش داده و ظاهراً روحیه ارتش صدام حسین را شکسته است، جاده اصلی به بغداد باز می‌باشد و نیروهای ایران در مقابل پایتخت عراق از پیروزی و شوق در هیجان می‌باشند.

## ۲ - فعال کردن حرکت دیپلماسی

برای وارد کردن مجامع رسمی بین‌المللی به تصمیمی عادلانه در مورد تجاوز رژیم عراق علیه ایران فعال کردن حرکت دیپلماسی و جلب توجه محافل سیاسی جهان به قدرت دفاعی ایران ضروری بود. متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل که تحت تأثیر قدرتهای بزرگ بود بی‌توجه به قدرت دفاعی رزمندگان اسلام همچنان به واکنش‌های بازدارنده خود ادامه می‌داد بطوریکه بفاصله کمتر از دو ماه و نیم پس از صدور قطعنامه ۵۱۴ مبادرت به صدور قطعنامه ۵۲۲ اقدام می‌نماید: قطعنامه ۵۲۲، در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۲ مهر ۱۳۶۱) به اتفاق آرا تصویب شد.

جمهوری اسلامی ایران بمنظور کاستن فشارهای تبلیغی دشمن و متحدانش و نیز جلب توجه افکار جهانیان به دلائل استنکاف ایران از پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت علاوه بر فعالیت همه جانبه وزارت خارجه ایران نیاز به اهرم‌های مؤثرتری در میدان عملیاتی داشت، بگونه‌ایکه شورای امنیت را بدور از فشارهای سیاسی و تبلیغی وادار به تصمیمی عادلانه بر اساس موازین بین‌المللی نماید.

تعدادی ازسلسله عملیات برون‌مرزی یا انهدامی

جمهوری اسلامی ایران بمنظور تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام و سلب فرصت از دشمن جهت سازماندهی مجدد و نیز فعال کردن محافل سیاسی در راستای تصمیم‌گیری جدی و عادلانه در حل مناقشه، در بعضی از خطوط دفاعی، عبور از مرزها و تصرف مناطق استراتژیک دشمن را هدف قرار داد. این تدبیر نه تنها خردمندانه بلکه منطبق بر فنون دفاعی و حتی موازین بین‌المللی بوده است. تعدادی از سلسله عملیات مهم انهدامی عبارتند از:

- عملیات رمضان

در شرق بصره که به منظور دور کردن آتش دشمن از شهرهای جنوبی کشور و انهدام نیروهای رژیم عراق صورت گرفت.



در منطقه عملیاتی قصر شیرین انجام گرفت که منجر به آزاد شدن دو ارتفاع مهم مشرف به قصر شیرین گردید.

#### عملیات مسلم بن عقیل

در غرب سومار و ارتفاعات مسلط بر شهر مندلی عراق صورت گرفت که در آن ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق و پاسگاه مرزی ایران آزد و پاکسازی شدند.

#### عملیات والفجر ۳ تا ۶

که به ترتیب در مناطق عملیاتی مهران، دره شیلر در شمال مریوان و پنجوبین، منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران و دهلران) و منطقه عملیاتی چزابه و چیلان (در جنوب دهلران) انجام گرفت که عموماً با هدف انهدام نیروها و تجهیزات دشمن و آزادسازی ارتفاعات منطقه و مسدود کردن راه ضد انقلاب به اجرا درآمدند.

#### عملیات خیبر

در منطقه هورالهوریزه و جزایر مجنون انجام شد که نتایج آن آزادسازی جزیره مجنون به مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع با ۵۰ حلقه چاه نفت و چندین روستای منطقه بوده است. در این عملیات خسارات سنگینی به تجهیزات و یگانهای دشمن وارد آمد.

#### عملیات بدر

در شرق رودخانه دجله انجام شد که منجر به آزادسازی بخش وسیعی از مناطق مهم و نفت خیز هورالهوریزه و چندین روستای منطقه و دهها پاسگاه دشمن در هورالهوریزه و جاده الحجرده (معروف به خندق) گردید.

#### عملیات والفجر ۸ (معروف به فتح فاو)

عملیات والفجر هشت در شبه جزیره فاو به منظور کوتاه کردن دست رژیم متجاوز عراق از آبهای خلیج فارس توسط دلیر مردان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اجرا درآمد. در این عملیات مهم علاوه بر تاکتیک‌های جدید بکار گرفته شده از سوی رزمندگان اسلام، از موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی خاصی برخوردار است، بطوریکه عبور سپاهیان اسلام از رود اروند حیرت همه کارشناسان نظامی را برانگیخت، و به لحاظ سیاسی نگرانی عمیقی را در حامیان رژیم عراق ایجاد کرد تا آنجا که همگان بیم داشتند با سقوط صدام حسین، فرایند جهانی شدن انقلاب اسلامی سپری گسترده پیدا کند، و بیش از همه دولت غاصب اسرائیل را بکام نابودی بسپارد.

#### سلسله عملیات کربلا

کربلای یک در منطقه عملیاتی مهران انجام شد که منجر به آزادسازی شهر مهران گردید این شهر در عملیات والفجر ۳ آزاد شده بود، اما پس از عملیات والفجر ۸ که منجر به آزادی شهر فاو گردید دشمن مبادرت به اشغال این شهر نمود که رزمندگان اسلام در عملیات کربلای یک مجدداً آنرا از دشمن بازپس گرفتند.



عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج عمران عراق به اجراء درآمد که منجر به آزادسازی ارتفاعات مهم منطقه گردید. عملیات کربلای ۳ در ترمینال الامیه و البکر در شمال غربی خلیج فارس صورت گرفت. در این عملیات اسکله الامیه که مرکز جاسوسی عراق در خلیج فارس بود، تصرف و پس از خارج ساختن کلیه تجهیزات به آتش کشیده شد.

عملیات کربلای ۴ در غرب اروندرود به منظور انهدام نیروی دشمن به اجراء درآمد. عملیات کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه و شرق بصره به اجرا درآمد.

این عملیات که بنام انهدام ماشین جنگی دشمن معروف شد به مدت ۴۵ روز به طول انجامید و ۸۱ تیپ و گردان مستقل دشمن منهدم و ۳۴ تیپ و گردان مستقل نیز آسیب کلی دیدند و همچنین ۲۲۰ دستگاه تانک و نفربر و ۵۰۰ دستگاه انواع خودرو و هزاران قبضه انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین و مقدار زیادی مهمات به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.

و همچنین عملیات کربلای ۶ در شمال سومار و کربلای ۷ در حاج عمران و کربلای ۸ در شرق بصره و کربلای ۹ در منطقه عملیاتی قصرشیرین و کربلای ۱۰ در منطقه عمومی ماهوت عراق به اجرا درآمدند که هدف عمده آنها انهدام نیروی دشمن و تصرف نقاط استراتژیک و ارتفاعات مهم منطقه بوده است.

نتایج عملیات برون مرزی

بعد از فتح خرمشهر فرایند دفاعی رزمندگان بر اساس تصمیم فرماندهان و مسئولین نظام، جهت خاصی را دنبال نمود که مبتنی بر واقعیات روز جبهه‌های نبرد و شرایط سیاسی منطقه و جهان بوده است. نتایجی که از سلسله عملیات انهدامی یا برون مرزی رزمندگان اسلام بدست آمد خود بیانگر ضرورت این اهداف بوده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱ - انهدام نیروها و مراکز تأسیسات نظامی - اقتصادی و پایگاههای حفاظتی و پشتیبانی دشمن
- ۲ - سلب اختیار آفندی از ارتش رژیم عراق با استفاده از اصل غافلگیری و عملیات شبانه در تمامی خطوط درگیر.
- ۳ - اثبات اقتدار و توان دفاعی رزمندگان اسلام اعم از ارتش، سپاه و نیروهای مردمی بعنوان قدرت فعال و تصمیم گیر در جبهه‌های نبرد
- ۴ - وادار کردن مجامع بین المللی بویژه شورای امنیت سازمان ملل به قبول مسئولیت حل مناقشه و تحکیم صلحی عادلانه با تنبیه و مجازات متجاوز
- ۵ - سلب فرصت سازماندهی و آرایش منظم نیروها از دشمن و ایجاد فضایی روانی بمنظور تضعیف روحیه ارتش عراق در مقابله با رزمندگان اسلام.
- ۶ - تقویت فعالیت دیپلماسی وزارت خارجه و حضور پر قدرت آتی در مذاکرات صلح با تکیه بر خواسته‌های مشروع جمهوری اسلامی ایران
- ۷ - تسلیم شدن شورای امنیت سازمان ملل در برابر اراده جمهوری اسلامی ایران با صدور قطعنامه ۵۹۸ اگر چه در اجرای مفاد قطعنامه تعلل و بی توجهی میشود.





۸ - مشخص شدن ماهیت حامیان پیدا و پنهان رژیم عراق و نقض بی‌طرفی در جنگ بویژه دولت امریکا که طرف اصلی ما در جنگ شناخته شد.

۹ - خنثی کردن جو ارباب ناشی از حمله به مناطق مسکونی، کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در جبهه‌ها و ایجاد آرامش در فضای عمومی کشور.

۱۰ - ایجاد انگیزه و احساس غرور و امید به پیروزی در هواداران جهانی انقلاب اسلامی و جلب توجه اندیشمندان و آزاد اندیشان به تأثیر ایمان و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در صلابت و پایداری ملت‌ها.

۱۱ - شکست منطق زور و تصمیم یکسویه ابرقدرتها در حوادث جهانی و ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در مبارزه با قدرتهای بزرگ.

چند سؤال و پاسخ آن

۱ - دلیل عمده عملیات برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟

۲ - آیا سلسله عملیات برون‌مرزی مسئولیت ادامه جنگ را متوجه ایران نمی‌کند.

۳ - آیا اقدامات برون‌مرزی ما مطابق موازین بین‌المللی بوده است؟

پاسخ سؤال اول

مهمترین دلیل عملیات برون‌مرزی رزمندگان ایران که مشروح آن در نتایج این سلسله عملیات آمده است عبارتند از:

۱ - انهدام ماشین جنگی دشمن و سلب فرصت سازماندهی مجدد آن.

۲ - وادار کردن مجامع بین‌المللی به تصمیمی عادلانه و شناسایی آغازگر جنگ.

۳ - تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام بطوریکه ترسیم «جغرافیای تثبیت» یا «حوزه اطمینان» بعد از فتح خرمشهر برای ما فراهم شد، و از نظر قواعد و فنون نظامی بسیار بدیهی است که ما باید از این وضعیت استفاده می‌کردیم، هندسه اقتدار یا تثبیت را کامل می‌کردیم، تا با قبول آتش‌بس دشمن نتواند مجدداً مواضع ما را مورد حمله قرار دهد. پس این حق طبیعی ما بود که با عملیات برون‌مرزی شعاع اقتدار دفاعی را تعقیب نمائیم.

پاسخ سؤال دوم

از قواعد دیگر نظامی بین دو کشور درگیر تبدیل فرماندهی موضع‌گرا به روندگرایی است و هر کدام از طرفین اگر موفق به این کار شدند ابتکار میدان را بدست می‌گیرند. از این جهت ما بعد از فتح خرمشهر قدرت ایجاد فرماندهی روندگرا را پیدا کردیم، از دست دادن این فرصت عاقلانه نبود. فلذا تکمیل معادله روندگرا در استراتژی دفاعی، ورود به خاک دشمن را امضاء می‌کرد. و این موضوع هیچ‌گاه به منزله مسئولیت ادامه جنگ نیست و در واقع یک قاعده نظامی با مسئولیت ادامه جنگ مغالطه مضحکی است که توسط حامیان صدام در صحنه جهانی علم شده است.



در مورد مسئولیت ادامه جنگ باید مؤلفه‌های مؤثر در جنگ را شناخت، جمهوری اسلامی ایران که مورد تجاوز عراق قرار گرفت حق دفاع مشروع از نظر حقوق بین‌الملل برای او محفوظ بوده است، و دفاع مشروع شامل دفع تجاوز و رفع تجاوز هر دو می‌شود. ما در فتح خرمشهر دفع تجاوز کردیم و در عملیات برون‌مرزی بدنبال رفع تجاوز بودیم. و این علاوه بر تطبیق با موازین بین‌المللی مطابق شرع مقدس اسلام نیز می‌باشد.

چنانکه در قرآن کریم فرمود: قاتلوهم حتی لا تكون فتنه

بنابراین تصمیم ما برای رفع تجاوز هم حقی شرعی و حقوقی و هم عقلانی بوده است

پاسخ سؤال سوم

اقدامات برون‌مرزی ما کاملاً با موازین بین‌المللی منطبق بوده است، زیرا ماهیت تجاوز سراسری رژیم عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا به جمهوری اسلامی ایران عیناً با ماده یک قطعنامه تعریف تجاوز منطبق بوده است، و تا زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ هیچگونه تصمیم جدی از سوی مجامع جهانی بویژه شورای امنیت بعمل نیامد. البته شعار صلح‌خواهی در دوران اقتدار دفاعی ایران از سوی مدعیان صلح‌گوش‌ها را کر می‌کرد اما پیشنهادی که متضمن راه حل عملی و عادلانه باشد از سوی مراجع رسمی مشاهده نگردید، بویژه اغلب با عنصر صداقت و اراده جدی بر حل مناقشه همراه نبوده است.

آیا در آن شرایط غیر منصفانه و فشارهای معنی‌دار حامیان صدام، این حق ایران نبوده است که با اتکال به خدای متعال و سلاح‌های برخاسته از ایمان جوانان خود، پیروزی اراده الهی را بر جنگ افزارهای مادی نشان دهد؟ آیا ترحم بر دشمن بی‌رحمی که روزی بیش‌زمانه به خاک ما حمله ور شد و زن و مرد و کودک بی‌گناه و پیر بی‌پناه ما را به خاک و خون کشید و اینک در کمند قدرت رزمندگان ما گرفتار آمد عادلانه بود؟ آیا ابر دقترهایی که صدام متجاوز را از چنگال انتقام رزمندگان ما بیرون کشیدند به صلح و امنیت جهانی خیانت نکرده‌اند؟

سرانجام فید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ دفاع مشروع را از ما سلب نمود که ابهام در مسؤول آغازگر جنگ و ادامه آن از ابتداء مورد سؤال جمهوری اسلامی ایران بوده است.



## واکنش دشمن در برابر توان دفاعی ایران و اقدامات سازمان ملل

دشمن که توان رویارویی با رزمندگان اسلام را در جبهه‌های نبرد از دست داد به سیاستی روی آورد که نقض تمامی قوانین بین‌المللی و حقوق انسانی را در پی داشت اینک به عمده‌ترین آن موارد می‌پردازیم:

### ۱ - عقب‌نشینی از مواضع اشتغالی

دشمن برای نجات نیروهای درمانده خود در برابر ضربات کوبنده رزمندگان اسلام اغلب مناطق را تخلیه و به مرزهای بین‌المللی بازگشت نمود نام این عمل را «عقب‌نشینی تاکتیکی» نهاد.

### ۲ - تجهیز و سازماندهی گروهک منافق

رژیم عراق با پناه دادن به افراد گروهک منافقین بویژه سران آنها، علاوه بر استفاده جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از داخل به تجهیز و سازماندهی نظامی آنها پرداخت. این سازمان خود فروخته ضمن بمب‌گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی ایران و نخست‌وزیری، که به شهادت شخصیت‌های برجسته‌ای چون شهید دکتر بهشتی و شهید رجائی و شهید دکتر باهنر منجر شد و نیز با ترورهای وحشیانه خیابانی زنان و مردان و کودکان بی‌گناه را به شهادت رساندند تا از این طریق انگیزه مردم را از رفتن به جبهه‌های نبرد تضعیف کنند.

در کنار این جنایات، رژیم عراق قصد داشت که از آنها در جبهه‌های نبرد هم در قالب یگانهای رزمی استفاده کند که با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران زمان آنرا از دست رفته دید، فلذا شتابزده آنها را در قالب عملیات (فروغ جاودان) روانه ایران کرد که همگی در کمند دلاور مردان جبهه‌های نبرد گرفتار آمدند و با ذلت و خواری به هلاکت رسیدند.

### ۳ - حمله به مناطق مسکونی (جنگ شهرها)

رژیم عراق برای نجات خود از مهلکه‌ای که خود بوجود آورد به هر وسیله‌ای ولو غیر انسانی و مغایر با موازین بین‌المللی متوسل می‌شد از جمله آن حمله به مناطق مسکونی و شهرهای مختلف ایران بود، تا با ایجاد اضطراب در مردم مانع از حضور آنها در جبهه‌ها شوند و مسئولین جمهوری اسلامی ایران را وادار به قبول صلح تحمیلی نمایند. بطوریکه سخنگوی نظامی عراق در این باره گفت:

هوایماهای جنگی این کشور حملات مهلکی را به شهرهای اهواز، پاره، آبادان، همدان و ایلام برای سومین روز پیاپی انجام داده‌اند. عراق قول داده است تا زمانی که ایران صلح را نپذیرد به این حملات ادامه دهد.

جمهوری اسلامی ایران اگر چه بعد از خویشتنداریهای لازم و عدم اقدام مؤثر شورای امنیت مقابل به مثل را در حمله به مناطق نظامی، مراکز و تأسیسات اقتصادی دشمن آغاز کرد اما بدلیل پابندی به اصول اسلامی و احترام به قوانین بین‌المللی هرگز به مناطق غیرنظامی حمله نکرد، جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت جمهوری اسلامی در این باره گفت:



ایران توان انهدام شهر بصره را داراست، اما در اقدام به اصول اسلامی از این کار خودداری می‌نماید، ولی اظهار داشت که توپخانه‌های ما در فاصله ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری بصره قرار دارند و ما می‌توانیم این شهر را با مهماتی که خود می‌سازیم منهدم کنیم.

#### ۴ - حمله به کشتی‌ها و آلوده کردن محیط زیست

رویکرد رژیم عراق به نقض قوانین بین‌المللی تنها با حمله به مناطق مسکونی خلاصه نشد بلکه با زدن کشتی‌های نفتی در آبراه خلیج فارس و نیز چاههای نفتی ایران، باعث اخلال در مسیر کشتیرانی و آلودگی وسیع محیط زیست شد.

#### ۵- کاربرد سلاح شیمیایی

یکی از اعمال زشت و ضدبشری ارتش عراق در جنگ تحمیلی، کاربرد وسیع و متنوع سلاح‌های شیمیایی و میکروبی علیه رزمندگان اسلام بود. ناتوانی ارتش عراق در برابر حملات کوبنده نیروهای جان بر کف اسلام موجب شد که برخلاف کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی در کنار سایر سلاح‌های مرگبار استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی را مورد توجه قرار دهد.

ارتش عراق برای نخستین بار این سلاح در تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۵۹ در منطقه عمومی میمک علیه رزمندگان ما استفاده کرد تا میزان کاربرد آنرا مورد آزمایش قرار دهد و همچنین عکس‌العمل محافل حقوقی و بین‌المللی را محک بزند. هنگامیکه با مخالفت جدی و حتی واکنش ظاهری قدرتهای بزرگ واجه نشد بلکه از جهاتی پنهانی مورد حمایت و تجهیز این سلاح هم قرار گرفت و با جسارت بیشتری جنگ‌افزارهای شیمیایی را علیه رزمندگان اسلام بکار می‌گیرد. بطوریکه استفاده از آن در منطقه عملیاتی خیبر در جزایر مجنون به سال ۱۳۶۲ و عملیات والفجر هشت در سال ششم جنگ تحمیلی در شبه جزیره فاو بسیار محسوس بود.

طی هشت سال جنگ تحمیلی ارتش عراق قریب به ۲۵۲ بار از سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و مردم بی‌پناه غیر نظامی استفاده کرده است که موجب شهادت بیش از هزار نفر و مصدوم شدن قریب به پنجاه هزار نفر از دلاوران مردان جبهه اسلام گردید .

به اعتقاد کارشناسان، رژیم عراق از انواع مختلف گازهای سمی و شیمیایی علیه رزمندگان اسلام استفاده کرده است گازهای ناولزا و تحریک کننده اعصاب که حتی در جنگ جهانی اول هم بی‌سابقه بوده است. اما سؤالی که همواره در ذهن می‌ماند آن است که منابع تأمین کننده این سلاح‌ها و نیز تشویق کنندگان رژیم عراق در کاربرد آن چه کشورهایی بوده‌اند؟ و چگونه باید با آنان برخورد اصولی و حقوقی شود؟

منابع تأمین کننده سلاح‌های شیمیایی عراق

اگر چه دلایل زیادی دال بر ارسال تسلیحات و تجهیزات شیمیایی از سوی کشورهای نظیر:

شوروی سابق، امریکا، یوگسلاوی سابق، بلژیک، چین، اسپانیا، ایتالیا و شیلی به کشور عراق وجود دارد اما بطور عمده دو کشور آلمان و انگلستان منابع تأمین کننده تسلیحات شیمیایی عراق بوده‌اند.

برخی از دلایل اثبات کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق



۱ - اعتراف کشورها و دولت‌ها : به عنوان نمونه

الف - دولت امریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد، عراق را متهم کرد که در جنگ با ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است و حتی در کنفرانس خلع سلاح ژنو اعلام کرد: وظیفه اسفانگیزی که بر عهده دارد این است که باید گزارش کند شواهد موجود، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را ثابت نموده است.

ب - وزیر امور خارجه اتریش در کنفرانس خلع سلاح در وین (۱۳۶۷) اعلام کرد که دلالتی وجود دارد که عراق در جنگ با ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است.

ج - اعلامیه گروه حقوق بشر پارلمان انگلیسی با صراحت از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق در جنگ با ایران خبر داد.

۲ - اظهارات دولتمردان عراقی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی

مسئولین دولت عراق بطور متناوب به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران اعتراف کردند



در ۱۰ فوریه سال ۱۹۸۶، مصادف با ۲۱ بهمن سال ۶۴ رزمندگان اسلام در یک حمله غافلگیرانه، فاو را تصرف کردند که این امر باعث نگرانی شدید جهان غرب، شوروی سابق و کشورهای ساحلی خلیج فارس شد. امریکا که به پایداری جمهوری اسلامی ایران مطمئن شد، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن خود را به ایران نزدیک کند، از اینجا بود که حادثه رسوایی ایران - کنترا اتفاق افتاد.

آمریکا در همین راستا در دو جبهه وارد عمل شد:

الف) در جبهه نظامی، با تقویت ناوگان خود در خلیج فارس و تشویق متحدان خویش به اعزام ناوهای بیشتر به منطقه، عملاً دشواریهایی را برای عملیات ایران بوجود آورد؛ و از سوی دیگر دست عراق را برای هر گونه اقدامی در خلیج فارس بازگذاشت و اطلاعات نظامی آواکسها و ماهواره‌ها را از وضع جبهه‌ها در اختیار عراق قرارداد.

ب) در جبهه سیاسی نیز به دولت‌ها فشار فرایند وارد کرد که از فروش اسلحه به ایران جلوگیری کنند، و در شورای امنیت نیز کوشید که کشورهای عضو را به تصویب قطعنامه‌ای درباره تحریم فروش اسلحه به ایران موافق سازد.

در ۱۶ دی سال ۱۳۶۵ (۶ ژانویه ۱۹۸۷) ایران حمله بزرگ خود را به جنوب بصره در قالب عملیات کربلای ۵ آغاز کرد و فشارهای فوق‌العاده سنگینی را به ماشین جنگی دشمن وارد آورد. دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، متعاقب این عملیات از اعضاء دائمی شورای امنیت خواست که برای خاتمه دادن به جنگ، با یکدیگر همکاری کنند که این امر با پاسخ مثبت سفرای این کشورها روبرو شد. در این مذاکرات، آنها «احتمال اینکه جنگ تهدیدی علیه صلح باشد» را مورد بررسی قرار دادند تا بدین وسیله راه را برای استفاده از اختیارات مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد هموار کنند.»

رژیم عراق حملات خود را به مناطق مسکونی و نفتکشها گسترش داد. از طرفی حضور نظامی آمریکا به بهانه حمایت از نفتکشهای کویتی در خلیج فارس، بحران را تشدید کرد.

همچنین این توهم در کشورهای منطقه ایجاد شده بود که پس از عراق نوبت آنهاست. در این میان ترکیه و اسرائیل از ادامه جنگ خشنود بودند؛ ترکیه به لحاظ اینکه از ترانزیت کالا بین ایران و اروپا، و نیز ترانزیت کالا، و انتقال نفت عراق از طریق خط لوله، عواید سرشاری نصیب خود می‌کرد.

عامل مهم صدور قطعنامه ۵۹۸، عملیات متعدد رزمندگان اسلام در خاک عراق بود که شامل مجموعه زنجیره‌ای عملیات کربلا، فتح و نصر است.

عملیات کربلای ۴ در غرب اروندرود، کربلای ۵ در شلمچه و غرب اروندرود و کانال پرورش ماهی، کربلای ۶ در شمال سومار، کربلای ۷ در شمال غرب ایران، کربلای ۸ در شرق بصره و غرب کانال پرورش ماهی، کربلای ۹ در قصر شیرین، کربلای ۱۰ در شمال شهر ماووت عراق و مقابل سردشت. همچنین عملیات فتح ۱ در منطقه کرکوک، فتح ۲ در شمال شرقی و داخل مرز عراق، فتح ۳ در عمق ۳۰۰ کیلومتری داخل خاک عراق در محدوده دهوک و زاخو، مجدداً عملیات فتح ۴ در منطقه کرکوک، فتح ۵ در سلیمانیه و جوارته و ماووت عراق، فتح ۶ در شمال اربیل عراق، فتح ۷ در سید صادق و حلبچه عراق، و



فتح ۸ در شمال استان موصل، و نیز عملیات نصر ۲ و ۳ در شمال اربیل عراق، نصر ۴ در شمال عراق، نصر ۵ در غرب ایران و همچنین عملیات والفجر ۹ در اطراف شهر سلیمانیه عراق.

اکثر این عملیات در داخل خاک عراق، و با موفقیت رزمندگان اسلام توأم بود، خصوصاً پیشروی به سوی شهر بندری بصره و عملیات متحرک رزمندگان، شرایطی را در جبهه‌ها پدید آورد تا شورای امنیت سازمان ملل به شکل جدی‌تری با مسأله جنگ برخورد کند. جدی‌تری که بتواند مبنای حل و فصل مناقشه باشد به طوری که دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷، طی گزارشی به شورای امنیت خواست که اعضای شورای امنیت - به خصوص اعضای دائم - برای خاتمه جنگ تلاش جدی کنند. وی همچنین درخواست کرد که آماده است نظرهایش را در اختیار شورا بگذارد تا در جهت اتخاذ مبنایی برای تلاش مشترک آنان مؤثر و مفید واقع شود. سرانجام درخواست دبیر کل مورد قبول اعضای شورا قرار گرفت و از ماه فوریه ۱۹۸۷، اعضای دائم به طور مشترک و سازماندهی شده، کار خود را در جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق آغاز کردند. کار این گروه پس از چندین ماه به صدور قطعنامه ۵۸ شد.

قطعنامه ۵۹۸ دارای یک مقدمه و ده بند است که در جلسه ۲۵۷۰ شورای امنیت با اتفاق آرا به تصویب رسید. بندهای قطعنامه بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد

قطعنامه ۵۹۸ اگر چه انتظار کامل جمهوری اسلامی ایران را برآورده نکرده است، لکن در مقایسه با قطعنامه‌های قبلی سازمان از ویژگیهای خاصی برخوردار است. مخصوصاً بند شش قطعنامه که در باب تعیین آغازگر جنگ است، با توجه به اهداف اولیه شورای امنیت در جنگ، برای جمهوری اسلامی ایران پیروزی بزرگی به حساب می‌آید؛ زیرا در سایه مقاومت رزمندگان و حرکت دیپلماسی فعال توانسته است شورای امنیت را متقاعد کند که صلح بدون تعیین متجاوز بر خلاف عدالت و امنیت، و در واقع عین ظلم است.

